



## یلمزلف و میراث نشانه‌شناسی‌اش

ایا نشانه‌شناسی فرانسوی در گرو وجود لویی یلمزلف است؟

از دهه ۱۹۶۰ تا به امروز در ارتباط با آثار یلمزلف (میراث پیدایشی و تکوینی)؛ برداشت‌ها و بازتفسیرها از برخی مفاهیم پایه‌ای یلمزلفی (میراث مفهومی)؛ سبک معرفت‌شناختی یلمزلف و شیوه راهبرد تفکر نزد او که موجب شکل‌گیری گفتمان ویژه نشانه‌شناسی فرانسوی شد (میراث سبک اندیشه).

حضور این سه تصویر به هم پیوسته در یک نوشتار کوتاه گرچه موجب فشردگی متن می‌شود، اما در عین حال آن را به اثری غنی و قابل ارجاع بدل می‌کند. هر سه این تصاویر و محتوای روایی و ارجاعی آن‌ها (به‌ویژه برای مخاطب فارسی‌زبان) جدید و بدیع اند و می‌توانند بستری راهنما برای خواننده کنجگاو و علاقمند به نشانه‌شناسی مهیا کنند.

متن پیش رو ترجمه‌ای است از پیش‌نویس مقاله‌ای با عنوان اصلی "Hjelmslev and his semiotic legacy" که سمیر بدیر آن را برای انتشار در کتابی جمعی با عنوان *Structuralist Movements* نگاشته است. این کتاب قرار است در سال ۲۰۲۲ منتشر شود، پس تا آن زمان اعمال برخی تغییرات جزئی در مقاله اصلی محتمل خواهد بود. نویسنده در گفت‌وگویی که در پی تصمیم من برای ترجمه این متن با او داشتم، ابراز خرسندی کرد که مقاله‌اش پیش از انتشار در کتاب، به زبان فارسی در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت.

سمیر بدیر (Sémir Badir) چهره‌ی حاضر اهمیت در مباحث معرفت‌شناسی و نشانه‌شناسی است که تاکنون در دو حیطه به‌طور موازی کارهای ارزنده‌ای انجام داده است: یکی بازخوانی و تشریح نظریه و اندیشه یلمزلف، به‌ویژه از منظری معرفت‌شناختی؛ و دیگری، شرکت فعال در نظریه‌پردازی نشانه‌شناسی بلژیکی، ابتدا در همکاری با گروه نظریه‌پردازی موسوم به «گروه مو» (Le Groupe) و سپس به‌طور مستقل.

مقاله حاضر تازه‌ترین نوشته‌ی او است. بدیر در این مقاله در صدد است تا رابطه‌ی نشانه‌شناسی فرانسوی با نظریه و اندیشه یلمزلف را در قالب «میراث» به تصویر بکشد. تز اصلی او در این نوشته این است که یلمزلف نه تنها خاستگاه نشانه‌شناسی است، بلکه تمام بدنه‌ی نظری نشانه‌شناسی بر اندیشه او استوار است. به بیان دیگر، یلمزلف مرحله‌ای از سیر اندیشه نیست که بتوان از او گذشت، بلکه همواره در تمام ممارست‌های نظری سنت نشانه‌شناسی فرانسوی حضوری زنده و تعیین‌کننده دارد؛ یلمزلف میراثی است همیشگی برای این گونه از تفکر.

بدیر مقاله‌اش را این گونه به پایان می‌رساند: «در حقیقت، بدون یلمزلف، نشانه‌شناسی فرانسوی دیگر وجود نخواهد داشت. بدون یلمزلف، نشانه‌شناسی از هم می‌پاشد.»

مقاله حاضر به‌طور کلی سه تصویر عمده به دست می‌دهد: تاریخچه‌ای روشن و البته فشرده و پر جزئیات از شکل‌گیری نشانه‌شناسی فرانسوی



سمیرا بدیر (دانشگاه لیژ)  
برگردان: محمدامین شاکری

## میراث در مقابل انتقال<sup>۱</sup>

در مقاله حاضر پیرامون دریافت نشانه‌شناسان از آثار لویی یلمزلف، از ابتدای دهه ۱۹۶۰ میلادی تا به امروز سخن خواهیم گفت. در واقع، در این چند دهه، یلمزلف پیش از هر کس دیگر مورد خوانش و ارجاع نشانه‌شناسان قرار داشته است و بی‌شک اثرگذاری اندیشه یلمزلف بر نشانه‌شناسی<sup>۲</sup> - در قیاس با هر حیطه پژوهشی دیگر - همچنان زنده و پویاست.

در این نوشتار قصد داریم رابطه بین یلمزلف و نشانه‌شناسان را به جای «انتقال» و «اختلاف»، از منظر «وراثت» و «میراث» بینم. کاربرد واژه «انتقال» متضمن ارتباطی مستقیم - چه از طریق تعلیم، چه مکاتبه و چه طرق دیگر - در زمان حیات یلمزلف است؛ البته چنین ارتباطی می‌توانست وجود داشته باشد. یلمزلف در سال ۱۹۶۵ از دنیا می‌رود و در آن سال نشانه‌شناسان بیش از ده سال است که فعال شده‌اند. افزون بر این، یلمزلف با زبان‌شناسان فرانسوی از جمله آندره مارتین<sup>۳</sup> و امیل بنونیست<sup>۴</sup> ارتباط نزدیکی داشته است که آن‌ها نیز خود از لحاظ فکری با نشانه‌شناسان فرانسوی همراه بوده‌اند. با این وجود، شواهد نشان می‌دهد که این شرایط به‌خودی‌خود برای تحقق انتقال کافی نبوده است؛ گویا شرایط نامساعد چنان غالب بوده که راه ارتباط نشانه‌شناسان با یلمزلف به مسیری پریپیچ‌وخم، چیزی شبیه به یک ماریچ، بدل شده است. برای این تغییر جهت و ناهموار شدن ارتباط می‌توان چهار دلیل عمده را برشمرد:

۱. از اوایل دهه ۱۹۵۰، یلمزلف دچار نوعی فلج مغزی شد؛ او رفته‌رفته قدرت تفکرش را از دست داد و دیگر نتوانست آن‌طور که مایل بود به ارتباط تنگاتنگ با دانشمندان خارجی ادامه دهد.

۲. هیچ نشانه‌شناسی در حلقه کینه‌ها وجود نداشت؛ اگر افرادی هم باشند که کار نشانه‌شناسی می‌کردند - که من تاکنون نشانی از آن‌ها نیافته‌ام<sup>۵</sup> - به‌طور قطع می‌توان گفت که هرگز کار عمده‌ای در راستای جنبش بین‌المللی نشانه‌شناختی نداشته‌اند؛ پس نشانه‌شناسان تنها بیرون از مرزهای دانمارک یافت می‌شدند و طبعاً همگی زبانی جز زبان دانمارکی نداشتند. با گذر زمان و تحقیقات بیشتر روشن شد که ارتباط تنگاتنگ بین آثار یلمزلف و نشانه‌شناسان، درون خود فرانسه بود که برقرار گشت؛ باین‌حال، غالب نوشته‌های یلمزلف تنها پس از مرگش به زبان فرانسوی ترجمه شدند.

این دو مورد نخست صرفاً از امور واقع حکایت دارند؛ یعنی اگر شرایط طور دیگری رقم می‌خورد، می‌توانستیم تحقق انتقال را شاهد باشیم؛ اما دو مورد بعدی که نمایانگر دگرسویی معرفتی<sup>۶</sup> هستند، امکان تحقق انتقال را منتفی می‌کنند:

۳. دگرگون‌شدن اهداف؛ تنها علاقه راستین یلمزلف منوط به زبان‌های طبیعی در هیئت نظام<sup>۷</sup> بود، حال آنکه نشانه‌شناسان یا لاقول نشانه‌شناسان فرانسوی، به‌جای نظام، به بررسی گفتمان (بنا بر اصطلاحات یلمزلف، تجلی نظام‌های منفرد) روی آوردند؛ ابتدا گفتمان ادبی، سپس دیگر سنج‌های گفتمان اجتماعی مانند نوشتار در مطبوعات و تبلیغات و سرانجام، سنج‌هایی از گفتمان اجتماعی غیر کلامی نظیر تصویر و موسیقی. یلمزلف به این قسم

از ایزدها تنها به‌طور تلویحی اشاره کرده است (هرچند که اشاراتش بسیار غنی و راهگشاست).

۴. دگرگون‌شدن کردار نوشتاری و متعاقباً تغییر محیط دانش‌پژوهی؛ یلمزلف در دوران حیاتش قادر بود به‌راحتی با بسیاری از دانشمندان دیگر حیطه‌های وری زبان‌شناسی ارتباط برقرار کند، اما آن ارتباطها قدرت این را نداشتند که بر شیوه پروراندن کار و نوشتن آثارش تأثیری بگذارند. دغدغه فکری یلمزلف همواره خود زبان‌شناسی بود. ولی وضعیت برای نشانه‌شناسان کاملاً متفاوت بود؛ آن‌ها موضوعات پژوهشی‌شان را به‌طور تمام‌وکمال با دانش‌پژوهان دیگر حیطه‌های آکادمیک به بحث می‌گذاشتند، یعنی با تمام افرادی که به‌نوعی بر روی اسناد مطالعه می‌کردند، من‌جمله تاریخ‌دانان، انسان‌شناسان و پژوهشگران ادبی؛ پس برای نشانه‌شناسان، مسائل زبان‌شناختی در زمره دیگر مسائل بود و صرفاً بخشی از دغدغه‌شان را تشکیل می‌داد.

میراث یلمزلف، چنان که از منظر زمینه‌های علمی نگریسته شود، مستلزم این سه [مرحله] بوده است:

۱. خوانش آثار یلمزلف؛ که بعدرستی همان گام میراث‌داری در این فرایند است.
۲. پس از خوانش و در پی آن، کار مجدد بر روی مفاهیمی به‌گونه‌ای که آن‌ها را به شیوه‌ای متفاوت از شیوه مدنظر یلمزلف به کار بندیم.
۳. الصاق ارزش‌های نمادین<sup>۸</sup> به کاربردهای تجدیدشده مفاهیم یلمزلفی؛ این ارزش‌های نمادین بر سه نوع هستند: تضمین کیفیت (اینکه مفاهیم از فلان «سرچشمه» آمده باشند)، دعوی صلاحیت (اینکه کار مجدد بر روی مفاهیم تنها راه کاربردی مقتضی باشد، یا اینکه حداقل مشروع باشد) و خودتوجیه‌گری (اینکه کار مجدد بر روی مفاهیم تصریحش باشد).

## تاریخچه‌ای از نشانه‌شناسی به‌منزله میراث

کلید فرابندی که میراث یلمزلفی پیموده، به نظر می‌تواند موجد تاریخچه‌ای از نشانه‌شناسی باشد. من برای این تاریخچه هشت مرحله قائل می‌شوم؛ البته بحث باید از مرحله‌بندی صرف فراتر رود. نگاه به میراث به‌نوبه خود بر طریقه نگرش ما نسبت به سرنوشت خود اندیشه و کار یلمزلف تأثیرگذار است. افزون بر این، می‌توان ادعا کرد که سنت دانش‌پژوهی فرانسوی از همان ابتدا در اندیشه یلمزلف ایفای نقش می‌کرده است.<sup>۹</sup> یلمزلف از همان نخستین کتابش، یعنی اصول دستور عمومی<sup>۱۰</sup>، مؤکداً به سوسور ارجاع می‌دهد و شورمندانه از اکتشافات بزرگ اندیشگانی‌اش یاد می‌کند.<sup>۱۱</sup> در کتاب تمهیداتی بر نظریه زسان<sup>۱۲</sup> (= تمهیدات)، وی صراحتاً نظریه‌اش را بر پایه‌های سوسوری بنا می‌کند: «در این میان، یک نظریه‌پرداز زبانی است که باید حساب او را در مقام پیش‌گامی مسلم از دیگران سوا کنیم: فردینان دو سوسور سوتیسی» (یلمزلف [۱۹۳۳] ۱۹۶۱: ص ۷ آن‌ک، یلمزلف ۱۳۹۷: ص ۱۲۴).

در همین سال‌ها یا شاید کمی پس از آن، خوانش دوره زبان‌شناسی عمومی<sup>۱۳</sup> (= دوره) سوسور به محرک اصلی ظهور ساختارگرایی بدل شد. و ارتباط بینارشته‌ای دانش‌پژوهان فرانسوی (به‌ویژه در علوم انسانی) را رقم زد؛ به همین خاطر است که گرمس<sup>۱۴</sup> نشانه‌شناس در سال ۱۹۵۶ از این جریان با عنوان «سوسوریسم» یاد می‌کند. پس در پی این شرایط، سرنوشت میراث یلمزلف به‌گونه‌ای رقم خورد که به‌عنوان بخشی از سنت فرانسوی تعریف شود، یعنی درون سنتی که آثار او را در کنار آثار مریلوپوتنی و لویی استروس، که هر یک به‌نوبه خود خوانشی از «دوره» داشتند، قرار می‌داد.

**نشانه‌شناسی فرانسوی به میمنت فراگیر شدن موج ساختارگرایی. از همان ابتدای ظهورش بر فرانسوی مرزهای فرانسه تأثیرات قابل توجهی گذاشته است (به‌طور عمده، در بلژیک، ایتالیا و آمریکای لاتین)؛ بنابراین، از این لحاظ این جریان بیشتر نشانه‌شناسی فرانسوی‌زبان یا نشانه‌شناسی به سبک فرانسوی است. برای تمام نشانه‌شناسان متأثر یا ملهم از نشانه‌شناسی فرانسوی، خواندن یلمزلف - حداقل از طریق منابع دست‌دوم - به امری گریزناپذیر بدل شده است.**

یلمزلف به تاریخ ۳۱ اوت ۱۹۶۴ قراردادی را با انتشارات لاروس<sup>۱۱</sup> برای انتشار قریبالوقوع نسخه فرانسوی کتاب امضا کرد. او در سال ۱۹۶۵ از دنیا رفت. سپس گرمس طی سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ ترجمه موجود را چندین بار موردبازبینی قرار داد و در این کار از تحسین‌نویسی‌های ایو ژانتیلوم<sup>۱۲</sup> (که در حال آماده‌کردن بخشی از رساله‌اش پیرامون یلمزلف بود) و بار دیگر توگی بهره برد. سرانجام هنگامی که متن تکمیل و آماده شده بود، نشر لاروس امتیاز ترجمه تمهیدات را به انتشارات مینوی<sup>۱۳</sup> (که پیش‌تر کتاب زبان<sup>۱۴</sup> یلمزلف را در سال ۱۹۶۶ به چاپ رسانده بود) واگذار کرد. گرمس نسخه تایپ‌شده ترجمه را مستقیماً به ژروم لئونین<sup>۱۵</sup> ناشر تحول داد. لئونین هم که ترجمه را «بدقلق و حتی پرغلط» تشخیص داد، تصحیح و ویرایش دوباره کار را به آن مری لئونار<sup>۱۶</sup> (زبان‌شناس نزدیک به اسوالد دوکرو<sup>۱۷</sup>) سپرد.

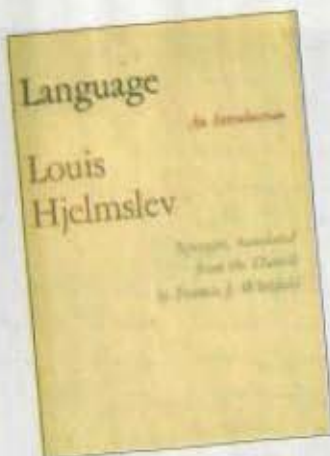
در نهایت اولین نسخه فرانسوی تمهیدات در اواخر سال ۱۹۶۸ به چاپ رسید؛ بر جلد آن چنین قید شده بود: «ترجمه‌شده توسط گروهی از زبان‌شناسان، با ویرایش و بازبینی آن مری لئونار»<sup>۱۸</sup>. این ترجمه که چاپ اولش به‌سرعت به فروش رفت، مورد انتقادهای شدید قرار گرفت (به‌عنوان نمونه بنگرید به: مونن<sup>۱۹</sup> ۱۹۷۰: صص ۹۵-۱۰۲). سخت‌ترین انتقادهای هم‌سفر یلمزلف وارد کرد و پیشنهاد داد که ترجمه جدیدی که توسط خاتم لونا کنگر<sup>۲۰</sup> «شاگرد دنامارکی لویی یلمزلف» (پیشگفتار در یلمزلف ۱۹۷۱: ص ۷) و با همکاری خاتم اتیک و یور<sup>۲۱</sup> فرانسوی آماده شده بود، هر چه زودتر جایگزین آن نسخه پراشده شود. این ترجمه دوم در ماه‌های نیمه نخست سال ۱۹۷۱ منتشر شد.

جزئیات این گزارش یک‌صفحه‌ای از تاریخچه ترجمه و نشر تمهیدات فرانسوی را بیشتر برای مخاطب علاقه‌مند یا کنجکاو آوردم. با توجه به بحثمان در این مقاله از این مرحله تنها کافی است یک چیز را به خاطر بسپاریم: گرمس مستقیماً دست‌اندرکار ترویج آرا و آثار یلمزلف در فرانسه بود.

۳. بارت در سال ۱۹۶۴ متن مشهور عناصر نشانه‌شناسی<sup>۲۲</sup> (عناصر) را نوشت؛ این متن ابتدا در یکی از شماره‌های نشریه Communications منتشر شد و یک سال بعد به‌صورت یک کتاب مجزا به چاپ رسید. ظاهراً می‌توان گفت عناصر موردنظر بارت، مفاهیم

کتاب دوره سوسور را نقل‌به‌عمل دنبال می‌کنند. عنوان فصل اول «زبان و گفتار» (لاتک<sup>۲۳</sup> و پرول<sup>۲۴</sup>) است؛ عنوان فصل دوم «مدلول و دال»؛ و عنوان فصل سوم «هم‌نشین و نظام». تنها در فصل‌های چهارم و پنجم است که یک جفت مفهوم از مفاهیم یلمزلفی به‌روشنی دیده می‌شود: «تصریح و تضمن» [دلالت صریح و دلالت ضمنی]. اما این مشاهده ظاهری همراه‌کننده است؛ در واقع، بارت در سراسر این متن اساساً درس‌هایی از کتاب تمهیدات را تدریس می‌کند. او یک بار در برابر دانشجویانش به این مسئله معترف شد که من یلمزلف را پیش از سوسور خوانده‌ام.<sup>۲۵</sup>

۴. گرمس (به همراه جوزف کورتس<sup>۲۶</sup>) در سال ۱۹۷۹ کتاب نشانه‌شناسی: واژه‌نامه برهاتمند نظریه زبان<sup>۲۷</sup> (عنوان ترجمه انگلیسی: نشانه‌شناسی و زبان؛



اما علی‌رغم شرایط مذکور می‌توان به‌درستی مدعی شد که نشانه‌شناسی فرانسوی، تاریخی متمایز از تاریخ ساختارگرایی دارد. آن هم به این دلیل یازدهم که پروژه نشانه‌شناسی کتاب منقولاتی را مرکز ارجاع خود قرار می‌دهد؛ به‌جای دوره، کتاب تمهیدات را. خوانش تمهیدات منبع الهام شکل‌گیری سیاق گفتاری ویژه‌ای شد و شالوده‌های مفاهیم نشانه‌شناسی را فراهم کرد. اکنون مراحل گوناگون تکوین میراث یلمزلف را از پیش چشم می‌گذرانیم:

۱. همان‌طور که می‌دانیم، خاستگاه نشانه‌شناسی فرانسوی دو چهره عمده داشت: رولان بارت و آلگیرداس ژولین گرمس. این دو در سال ۱۹۴۹، زمانی که هنوز پست‌دانشگاهی مطمئنی نداشتند، در شهر اسکندریه مصر به‌عنوان دو استاد مدعو دانشگاه اصلی این شهر با هم دیدار کردند. در آنجا، بارت و گرمس چندین برنامه مطالعاتی مشترک را با هم پیش بردند. تعدادی از مقاله‌های یلمزلف نیز در بین متونی بود که آن دو مورد خوانش قرار دادند. گردآوری شواهد مربوط به این همکاری کار جنبایی از کار درخواهد آمد. من در اینجا تنها یک نمونه می‌آورم. گرمس در همایشی که در تابستان سال ۱۹۸۳ در سیرسی-لنل<sup>۲۸</sup> به پاس آرا و آثارش برگزار شد، در پاسخ به پرسشی پیرامون زندگی حرفه‌ای‌اش چنین اذعان می‌کند:

«در جواب سوئین سؤال عیشل اریوه<sup>۲۹</sup> درباره تاریخ و چگونگی اولین خوانش من از آثار یلمزلف مقاله مارتینه درباره او و اینکه متون را به دنامارکی خوانده‌ام یا انگلیسی [...] باید بگویم که [...] اصلاً لحظه مواجهه‌ام با یلمزلف را به خاطر ندارم. نمی‌دانم بارت بود که به من گفت یلمزلف مهم است یا برعکس، من بارت را به این مسئله آگاه کردم. در آن زمان، من و بارت با هم کار می‌کردیم و به هر نکته مهمی که برمی‌خوردم با هم در میان می‌گذاشتیم؛ هر نکته‌ای که پیوندمان را محکم‌تر می‌کرد و به ما در ورود به تحلیل یاری می‌داد» (گرمس ۱۹۸۷: صص ۳-۲).

اینکه گرمس و بارت در آن زمان چه متونی از یلمزلف را خوانده‌اند، بر ما پوشیده است. خیلی بعید است که تمهیدات جزء این متون باشند؛ چراکه هیچ‌یک زبان دنامارکی نمی‌دانستند و ترجمه انگلیسی هنوز منتشر نشده بود (اولین ویراست ترجمه انگلیسی تمهیدات در سال ۱۹۵۳ انتشار یافت).

۲. ترجمه فرانسوی کتاب تمهیدات: این کتاب تا منتشرشدنش به زبان فرانسه مسیر پرفرازوختی را پیمود. نخستین نسخه دست‌نویس از ترجمه فرانسوی با دست‌خط توگی به تحریر درآمده است؛ هرچند توگی با وقفای مولاتی مالکیت متن ترجمه را انکار کرد و کار ترجمه را به «نادام فرانس گزال»<sup>۳۰</sup> خاتم فرانسوی ساکن کینهاگ<sup>۳۱</sup> نسبت داد (از آنچه در ادامه می‌آید، می‌توان انگیزه توگی از انجام این کار را دریافت).<sup>۳۲</sup> در سال ۱۹۵۳، آندره مارتینه در پی چند نوبت بازخوانی، آنبوهی از اصلاحات را بر روی این نسخه دست‌نویس درج کرد.<sup>۳۳</sup> غلط‌گیری‌ها علاوه بر آنبوه اشتباهات زبانی، شمار کثیری از معادل‌گذاری‌ها را نیز شامل می‌شد.

یلمزلف در همان روزهایی که ترجمه انگلیسی تمهیدات تکمیل و آماده انتشار شد، پروژه ترجمه فرانسوی آن را ملغی کرد. پس از گذشت بیش از ده سال،

واژه‌نامه تحلیلی<sup>۳۱</sup>) را منتشر کرد. این اثر حتی در فضای بیرون از حلقه نشانه‌شناسان فرانسه به‌عنوان اثری مهم و بنیادین ستوده شد.<sup>۳۲</sup> واژه «بره‌اند» (raisonné) در عنوان اصلی یا «تحلیلی» (Analytical) در عنوان انگلیسی، به این امر اشاره داد که این اثر نظریه‌ای منسجم ارائه می‌دهد. این نظریه منسجم پیش‌تر در آثار یلمزلف به‌طور تمام‌وکمال پرداخت شده است؛ اما کاری که گرمس و کورتس کرده‌اند این بوده که مفاهیم را از منظر ابزارهای جدید تحلیل بسط دادند. در این راستا، مدخل «متن»، نماینده بارز کل ماجراست. (گرمس و کورتس ۱۹۷۹: صص ۲۸۹-۳۹۰)

مدخل «متن» از شش قسمت تشکیل شده و هر قسمت مختص به کاربرد مفهومی ویژه‌ای از این واژه است. در قسمت اول، متن از منظر کاربرد زبانی (یعنی متن نوشتاری، گفتاری و الی آخر) دیده می‌شود و دریافت یلمزلفی و یاکوبسونی از آن در تقابل با هم قرار داده می‌شوند. در قسمت دوم، صورت‌پندی مجدد و بافتمندشده همان کاربرد نخست در نشانه‌شناسی معرفی می‌شود. در این بافت نشانه‌شناختی، فهم یلمزلفی از متن به‌وضوح غالب است: «یک مراسم آیینی و یک رقص باله هم می‌تواند متن یا مفهوم‌پردازی نظری «متن» بسیار بسط داده می‌شود [یعنی متن به‌مثابه تمامیت تولیدات بالفعل و بالقوه زبان]. پس از

آنکه در قسمت چهارم اشاره کوتاهی به این مسئله می‌شود که متن گاهی می‌تواند معادلی برای «بی‌کرمه» محسوب شود. در قسمت پنجم، کاربرد مفهوم‌پردازی یلمزلف از متن در تحلیل نشانه‌شناختی ارائه می‌شود: «متن تنها از آن عناصر نشانه‌شناختی‌ای تشکیل شده است که درخور هدف نظری توصیف باشد.» در قسمت ششم، مفهومی تحت نام «متن‌پردازی» پیش‌بینی و معرفی می‌شود که خود این مفهوم از کاربرد نشانه‌شناختی مفهوم متن - که در قسمت پنجم آمده بود - مشتق می‌شود. با نظر به کلیت این مدخل، براین تعجبی و بی‌استعدادی چراکه تمام مسائل فقه‌اللفتی مربوط به واژه text (متن) را نادیده می‌گیرند و در عوض، تمرکزشان بر آن چیزی است که ضرورتش را از تعریف اکیدا زبانی و صوری در تحلیل ابزارهای غیرمتجانس (بیگانه برای زبان‌شناسی) نظیر مراسم آیینی و رقص باله می‌گیرد.

۵. در همین سال‌ها برخی از اطرافیان گرمس به همراه نسل بعدی نشانه‌شناسان فرانسه، آثار دیگری از یلمزلف را ویرایش و گاه خود آن‌ها را ترجمه کردند:

- جستارهای زبانی،<sup>۳۳</sup> سال ۱۹۷۱، با ویرایش و مقدمه‌ای از فرانسوا راستیه؛<sup>۳۴</sup>  
- جستارهای نو،<sup>۳۵</sup> سال ۱۹۸۵، با ویرایش و مقدمه‌ای از فرانسوا راستیه. این کتاب شامل هفت مقاله فرانسوی یلمزلف برگرفته از جستارهای زبانی ۲ (۱۹۷۳) و نیز ترجمه فرانسوی بخشی از کتاب چکیده نظریه زبان<sup>۳۶</sup> توسط کلود زیلیبرگ<sup>۳۷</sup> و اماونل زیلیبرگ بود. همچنین دو جستار تفسیری به کتاب بیوست شده‌اند: یکی مقاله آندره مارتینه درباره یلمزلف و دیگری نقد مقاله نخست توسط میشل آریوه.  
۶. فرانسوا راستیه و کلود زیلیبرگ علاوه بر کار روی آثار یلمزلف خود طراحان نظریه‌های نشانه‌شناختی جدیدی بودند. عیار سنجش برای هر دوی آن‌ها اندیشه یلمزلف بود. در نظریه «معناشناسی تفسیری»<sup>۳۸</sup> راستیه (ن.ک. ۱۹۸۷)،<sup>۳۹</sup> تکوین مفهومی نشانه‌شناسی روایی پیوند وثیقی با نظریه زبان یلمزلف برقرار کرد و متعاقباً سازش با اندیشه یاکوبسونی را رد کرد. در نظریه «نشانه‌شناسی تنشی»<sup>۴۰</sup> زیلیبرگ (ن.ک. ۲۰۰۲: ۲۰۰۶)<sup>۴۱</sup> جفت مفهومی «درون‌تنش»<sup>۴۲</sup> و «برون‌تنش»<sup>۴۳</sup> یلمزلف بر کل چارچوب نظری حاکم شد.

**می‌خواهم مسئله را از جنبه‌ای دیگر ببینم و با قبول این خطر که ممکن است سختم گزاف خوانده شود، چنین ادعا کنم: جفت مفهوم‌های یلمزلفی مذکور، هنگامی که بر مطالعه واج‌شناختی، صرفی و صرفی- نحوی زبان‌ها اعمال شود، تا حد زیادی برای زبان‌شناس ساختارگرای پیش‌باقتاده جلوه می‌کند؛ در حالی که همین مفاهیم هنگامی که بر صفحه محتوا اعمال شوند، بی‌نهایت کارساز خواهند بود؛ که این کارساز در تطابق با این فرضیه دوگانه که از حیث نظری بسیار قوی است، همپا می‌شود: صفحه‌ها هیریکت هستند و در عین حال تحلیل‌هایشان ناهم‌صورت هستند.**

۷. همین نشانه‌شناسان فرانسوی نسل دوم، مجموعه قابل توجهی مقالات انتقادی پیرامون آثار یلمزلف و پذیرش نشانه‌شناختی آرای او به نگارش درآوردند. علاوه بر مقدمه‌های راستیه بر دو مجموعه مذکور، در اینجا به برخی از مهم‌ترین این نوشته‌ها اشاره می‌کنم:

- مقاله‌های «دانش یلمزلف (پراگ یا کپنهاگ؟)»<sup>۴۴</sup> (۱۹۸۵)، «کتاب رساله سوسور تحت خویش یلمزلف»<sup>۴۵</sup> (۱۹۸۶)، «توصیف توصیف»<sup>۴۶</sup> (۱۹۹۳) و «بیوستار شکربرکتی: سوسور، یلمزلف، گرمس»<sup>۴۷</sup> (۱۹۹۷) به نگارش کلود زیلیبرگ؛

- مقاله‌های «پیرس و یلمزلف: دو نشانه‌شناسی»<sup>۴۸</sup> (۱۹۸۴) و «پیش‌تاریخ، ساختار و امروزی‌بودن نظریه حالت‌های یلمزلف»<sup>۴۹</sup> (۱۹۹۵) به نگارش هرمان پره؛<sup>۵۰</sup>

- بخشی از کتاب تاریخ نشانه‌شناسی<sup>۵۱</sup> با عنوان «لویی یلمزلف، یا چگونه به‌واسطه انتزاع ملموس کنیم؟»<sup>۵۲</sup> (۱۹۹۲: صص ۵۵-۷۷) نوشته ان آیزو.<sup>۵۳</sup>

۸. نشانه‌شناسان نسل‌های بعد نیز در راستای ژرف‌بخشی به پذیرش انتقادی اندیشه یلمزلف و کاربرد آن در نشانه‌شناسی همت گماردند. برخی پژوهشگران نسل‌های جدید امروز به متخصصان یلمزلف‌شناس بدل شده‌اند. این وضعیت حداقل در مورد سه نفر صق می‌کند: الساندرو زینا<sup>۵۴</sup> که تاکنون ویراستار سه مجموعه پژوهشی-انتقادی پیرامون یلمزلف بوده است (ن.ک. ۱۹۸۶؛ ۱۹۹۷؛ ۲۰۱۷ به‌طور مشترک با لورنزو چیگانا)<sup>۵۵</sup>، درس ابلی<sup>۵۶</sup> (صاحب مقالات بسیار درباره یلمزلف از جمله: ۲۰۰۱؛ ۲۰۰۲؛ ۲۰۰۳؛ ۲۰۱۱) و خود من (سمریدیر [نویسنده دو کتاب درباره یلمزلف: ۲۰۰۰؛ ۲۰۱۴] و مجموعه‌های مشترک با همکاری لورنزو چیگانا: ۲۰۱۳). دلیل اینکه من از چند نسل متمایز سخن می‌گویم<sup>۵۷</sup> این است که می‌خواهم نشان دهم که میراث یلمزلف در میان نشانه‌شناسان مختص به زمان خاصی نیست (درحالی که متلاً در مورد اندیشه مبدعانی چون رنه گمپ چنین است)؛ بلکه کاملاً برعکس. این میراث خود پیونددهنده پژوهشگران از سنین و دوره‌های متفاوت است.

نشانه‌شناسی فرانسوی به میمنت فراگیر شدن موج ساختارگرایی، از همان ابتدای ظهورش بر فرانسوی مرزهای فرانسه تأثیرات قابل توجهی گذاشته است (به‌طور عمده، در بلژیک، ایتالیا و آمریکا لاتین)؛ بنابراین، از این لحاظ این جریان بیشتر نشانه‌شناسی فرانسوی‌زبان یا نشانه‌شناسی به سبک فرانسوی است. برای تمام نشانه‌شناسان متأثر یا ملهم از نشانه‌شناسی فرانسوی، خواندن یلمزلف -حداقل از طریق منابع دست‌خود- به امری گریزناپذیر بدل شده است. افزون بر این، نشانه‌شناسان یلمزلف‌شناس در ایتالیا عمدتاً با گردآمدن دور رومئو گالاسی<sup>۵۸</sup> فیلسوف یک سنت انتقادی متفاوت، هرچند نزدیک با سنت فرانسوی ایجاد کرده‌اند. یکی از تولیدات بسیار ارزشمند این جریان، کتاب یلمزلف و نشانه‌شناسی<sup>۵۹</sup> (۲۰۱۰) به قلم کریمو کیوتو<sup>۶۰</sup> است.

### ۳ میراث مفهومی

اکنون می‌خواهم به چند مسئله ماهوی بپردازم. میراث یلمزلف برای نشانه‌شناسی از حیث مفهومی چیست؟ این میراث هم‌زمان هم بسیار ناچیز است و هم بسیار کلان. می‌گویم ناچیز، زیرا به غیر از نشانه‌شناسان یلمزلف‌شناس، دیگران تنها از این چند جفت مفهومی تقابلی یلمزلف استفاده می‌کنند:

- صفحه بیان<sup>۶۱</sup> در مقابل صفحه محتوا<sup>۶۲</sup>

- صورت<sup>۶۳</sup> در مقابل جوهر<sup>۶۴</sup>

— همت‌نیشینی<sup>۳۱</sup> در مقابل جان‌نیشینی؛

— تصریح در مقابل تضمن؛

— زبان در مقابل فرازبان.<sup>۳۲</sup>

هیچ‌یک از این مفاهیم به‌طور کامل و از اساس ابداع یلمزلف نیستند، بلکه او به این مفهوم‌ها تعریفی صوری مختص نظریهٔ زبانش اعطا کرده است. نشانه‌شناسان هنگام کاربرد این اصطلاح‌های تکنیکی به مفهوم‌پردازی نظری یلمزلف ارجاع می‌دهند، ولی در عین حال در تعبیرشان نمی‌توانند از تأثیر سنت‌های منطقی و فلسفی پیش از یلمزلف جدا شوند؛ برای مثال، مفهوم «جوهر» غالباً با مفهوم پدیدارشناختی هوبلی<sup>۳۳</sup> یک‌کاسه می‌شود. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، من پیش‌تر (سمیر بدیر ۲۰۰۰: صص ۱۶۱-۱۸۸) نشان دادم که چگونه افرادی مثل رولان بارت یا اومبرتو اکو هنگام به‌کار بستن اصطلاح «تصریح»، برخلاف ادعایشان مبنی بر اینکه این مفهوم را از یلمزلف اقتباس کرده‌اند، بر مفهوم‌پردازی‌های

فرگه<sup>۳۴</sup> — آن ملور که از آگدن<sup>۳۵</sup> و ریچاردز<sup>۳۶</sup> (۱۹۲۳) برداشت کرده‌اند — متکی هستند.

اما این میراث از جنبه‌های بسیاری حائز اهمیت است. زبان‌شناسی در دوران یلمزلف، چه در فرانسه و چه در باقی دنیا هنوز پیرو سنت دستوری بود؛ چه در زبان‌شناسی هم‌زمانی و چه در زبان‌شناسی در زمانی، مطالعهٔ صورتهای صرفی و نقش‌های نحوی بر فضا مسلط بود. به قول آنسکوومیر<sup>۳۷</sup> (۱۹۹۷: ص ۳۸): «سنت دستوری همواره معناشناسی را به ظیفی<sup>۳۸</sup> زبان‌شناسی بدل کرده است.»<sup>۳۹</sup> در چنین شرایطی، اندیشه یلمزلف مسیر را برای نوعی تحلیل معناشناختی هموار ساخت که می‌توانست از توصیفات موجود که به واژه‌شناسی<sup>۴۰</sup> (چه علم دلالت<sup>۴۱</sup> و چه علم تسمیه<sup>۴۲</sup>) محدود بودند، بسیار فراروی کند.

در این زمینه، مسیر کار فکری گرمس یک الگویی تمام‌عیار است؛ او در سال ۱۹۴۸ از رساله‌اش در رشتهٔ واژه‌شناسی تاریخی دفاع کرد (رساله او توصیف واژگان مد در مجلات فرانسوی دهه ۱۸۳۰ بود)<sup>۴۳</sup> اما چندین سال بعد گرمس این اثر خود را از اعتبار ساقط دانست.

می‌توان گفت دلایل این انکار بیشتر به دغدغه‌های نشانه‌شناختی برمی‌گردد تا به خود زبان‌شناسی. در مصاحبه‌ای که در آن گرمس به مرور زندگی حرفه‌ای‌اش می‌پردازد — همانی که پیش‌تر نیز از آن نقل کردم — چنین می‌گوید:

در واقع، من کارم را با پژوهشی شروع کردم که امروز دیگر جرئت نمی‌کنم آن را «پژوهش» بنامم. آن کار تنها یک بررسی بود در سبک و سیاق زبان‌شناسان دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰. بر این باورم که گرمس از خلال واژه‌شناسی انگیزه‌های شد برای پذیرش یک شکست. می‌گویم شکسته چون که پس از گذشت حدود پنج یا شش سال از آن کار، به‌روشنی دیدم که واژه‌شناسی راه به جایی نبرده است — یعنی واحدها، تک‌واژه‌ها<sup>۴۴</sup> یا نشانه‌ها، نه ما را به تحلیل رهنمون می‌کنند، نه اجازه ساختار بندی می‌مانند و نه به فهم همگانی ما از پدیده‌ها یاری می‌رسانند. و دیگر دریافتیم که چیزها نه در خود نشانه، بلکه در «زیر» نشانه در جریان هستند. (صص ۳۰۲-۳۰۳)

در نگاه گرمس، نشانه‌شناسی از دل این گونه رد و طرد واژه‌شناسی — به‌عنوان علمی که صرفاً نشانه‌ها را می‌بیند — زاده شده است.<sup>۴۵</sup> اکنون می‌خواهم مسئله را از جنبه‌های دیگر بینم و با قبول این خطر که ممکن

است سخنان گزاف خوانده شود، چنین ادعا کنم: جفت مفهوم‌های یلمزلفی مذکور، هنگامی که بر مطالعهٔ واج‌شناختی، صرفی و صرفی-نحوی زبان‌ها اعمال شود، تا حد زیادی برای زبان‌شناس ساختارگرایان پیش‌یافته جلوه می‌کند؛ در حالی که همین مفاهیم هنگامی که بر صفحهٔ محتوا اعمال شوند، بی‌نیازت کارساز خواهند بود؛ که این کارسازگی در تطابق با این فرضیه دوگانه که از حیث نظری بسیار قوی است، مهیا می‌شود: صفحه‌ها هم‌ریخت<sup>۴۶</sup> هستند و در عین حال تحلیل‌هایشان ناهم‌صورت<sup>۴۷</sup> هستند.

۱. تحلیل معنا واحدهایی را ثبت می‌کند که فقط و فقط به صفحهٔ محتوا تعلق دارند؛ این واحدها درست همچون واحدهای صفحهٔ بیان (چیزهایی شبیه «واج‌ها») گونه‌های اصلی صوری هستند. هم‌ریختی بین صفحه‌ها صراحتاً توسط گرمس به کار گرفته شد (ن. ک. ۱۹۶۶: ص ۲۲). تحلیل به واحدهای کمینه در صفحهٔ محتوا («سبم» یا «ریز معنا»<sup>۴۸</sup>) شرط لازم برای وضع کردن مفهوم «ایزوتوی»<sup>۴۹</sup> است (همان، ص ۵۲). مفهومی که امکان توصیف

جدیدی از تفسیر متون را می‌گشاید.

۲. توصیف معنا نه صرفاً به تحلیل تصریحی، بلکه همچنین به تحلیل تضمنی متکی است. حتی این ادعا هم باطل است که «نظام» معنایی یک زبان به‌خودی‌خود پاسخ‌گوی بس‌گونه‌های<sup>۵۰</sup> آن زبان است؛ اتفاقاً برعکس، این مسئله باید این گونه دیده شود: استنتاج<sup>۵۱</sup> گونه‌های تضمنی است که تحلیل گونه‌های اصلی تصریحی را ممکن می‌کند.<sup>۵۲</sup> رولان بارت مفهوم «تضمن» را در بررسی معانی «اسطوره‌های»<sup>۵۳</sup> تلویحی در گفت‌وگوهای رسانه‌های فرانسهٔ معاصر (دهه ۱۹۵۰) — یعنی وری آنچه خود این گفت‌وگوها نطاهر به گفتش می‌کردند — به کار بست (ن. ک. بارت ۱۹۵۷). اما کریستین متز<sup>۵۴</sup> بود که توانست از خلال کاریست تحلیل زبان فیلم به بهترین شکل گسترهٔ مفهوم یلمزلفی «تضمن» را ببیند: «سرانجام، زبان فیلم را به‌مثابه مجموعه‌ای از تمام رمزگان‌های فیلمی جزئی و کلی تعریف می‌کنیم و در این تعریف موقتاً از تفاوت‌هایی که این رمزگان‌ها را از هم منفک می‌کنند چشم می‌پوشیم و داستان را به‌عنوان

نظام واقعی وحدت‌بخش به آن‌ها در جایگاه هسته مشترک این رمزگان‌ها قرار می‌دهیم.» (متز [۱۹۷۱] ۱۹۷۷: ص ۵۱)

۳. باید بین تحلیل تضمنی و تحلیل فرازبانی یک رابطه دوسویه پایهای برقرار کرد. هر دوی این تحلیل‌ها گونه‌هایی برای استنتاج‌شدن عمل می‌آورند.

معنای کامل این رابطه دوسویه در توصیف متن‌های پرداخت‌شده‌ای همچون متون ادبی و نوشته‌های علمی یا فلسفی نمایان می‌شود، زیرا غالباً در این متون است که «خوداندیشی» یا «خودنگری»<sup>۵۵</sup> به ویژگی مخصوص گونهٔ زبانی‌شان بدل می‌شود. گرمس در مقالهٔ «امروزی بودن سوسورسیسم»<sup>۵۶</sup> میان مفاهیم یلمزلفی و درجه صفر نوشتار<sup>۵۷</sup> (۱۹۶۳) بارت پیوند برقرار می‌کند: «بنابراین، طبق پیشنهاد بسیار سودمند یلمزلف، با آغازین از مجموعه به‌روشنی ساختار یافته‌ای از دال‌ها؛ ادبیات، زبان عامه، اسطوره‌شناسی و... می‌توانیم نظامی نشانه‌شناختی بر سازیم که ساختارهایش — که به‌واسطه تحلیل نمایان می‌شوند — معنای جامع خودبنیادی گسب کنند. کاریست این اصل موضوعه بر توصیف فرازبان ادبی به یمن کار شایستهٔ رولان بارت، ما را قادر خواهد ساخت تا اهمیت این مسئله را بهتر دریابیم.» (گرمس ۱۹۵۷: ۱۹۸)



فردیناند دوسوسور

۴. متن، صرفاً ابژه‌ای در دست تحلیل نیست، محصول تحلیل از منظر هم‌نشینی نیز متن است. با نظر به صفحه بیان، این امر بدهی (ضروری) می‌نماید که تحلیل امکان «بازپس دادن»<sup>۱۲۴</sup> ابژه اولیه را با تمام اجزایش مهیا می‌کند در صفحه محتوا، ظرافت‌ها بیش از آن‌اند که به راحتی بتوان به برابری یا هم‌ترازی بین دو وضعیت متن [پیش و پس از تحلیل] دست یافت. همان‌طور که راستیه (۱۹۸۷: ص ۹۴) نشان داده است، گرس با ارائه «زیوتویی» به‌صورت بازوقوع<sup>۱۲۵</sup> واحد کمینه در متن، این مفهوم را به مفهومی «جان‌شینانه»<sup>۱۲۶</sup> بدل می‌کند. برای آنکه بتوان به متن عاملیت هم‌نشینانه‌اش را اعطا کرد، ضرورتاً باید ایزوتویی را به بازگفت<sup>۱۲۷</sup> به‌مثابه یک مسیر ساز<sup>۱۲۸</sup> تبدیل کرد و در نتیجه، تحلیل را به‌منزله تفسیر پیش برد. به همین خاطر است که معناشناسی نزد راستیه ذاتاً تفسیری است.

۵. سرانجام باید توجه داشت که مفهوم‌های یلمزلفی گرچه در اینجا به‌صورت جفت‌های متقابل ارائه شده‌اند، اما هرگز نسبت به هم متقارن نیستند؛ در هر جفت، یک مفهوم محکوم<sup>۱۲۹</sup> (ثابت<sup>۱۳۰</sup>) و مفهوم دیگر حاکم<sup>۱۳۱</sup> (متغیر<sup>۱۳۲</sup>) است. محتوا بر بیان<sup>۱۳۳</sup>، جوهر بر صورت، هم‌نشینی بر جان‌شینی، تصریح بر تضمن و فرازیان بر زبان حاکم است. به‌میان‌دیگر، مفهوم محکوم شرط ضروری حضور هم‌نشینانه مفهوم حاکم است. به نظر، توجه به این گزاره اخیر [رابطه حاکمیت] چندان در اندیشه نشانه‌شناسان و حتی بین یلمزلف‌شناسان رواج نیافته است؛ باین‌وجود، کلود زلیبربرگ این گزاره را نقطه عزیمت نشانه‌شناسی نشی خود قرار می‌دهد. علی‌رغم ارائه متقارن توصیف - که امری عرفی است - هر واحد معنایی بر اساس تشمندی‌اش تحلیل می‌شود و در نتیجه به‌صورت محکوم («هم‌فشرده»<sup>۱۳۴</sup>) یا حاکم («گسترده»<sup>۱۳۵</sup>) درمی‌آید.<sup>۱۳۶</sup>

گزاره‌های نظری یلمزلف برای نشانه‌شناسان فوق‌العاده مهم است؛ چراکه این گزاره‌ها نه صرفاً منوط به تحلیل زبان‌های طبیعی، بلکه همچنین منوط به تحلیل هرگونه تولیدات اجتماعی-فرهنگی دیگر طرح شده‌اند. زبان‌های صوری، موسیقی، نمودارها، تصاویر، فیلم‌ها و حتی رسوم اجتماعی در معنای کلان کلمه، با

همین مفهوم‌های بیان/محتوا، صورت/جوهر، هم‌نشینی/جان‌شینی، تصریح/تضمن و زبان/فرازیان مورد تحلیل قرار می‌گیرند. افزون‌براین، یلمزلف که به کاربرد دوبله‌ی واژه language در زبان انگلیسی بسیار حساس بود (به این خاطر که هم در مورد زبان‌های صوری به کار می‌رود و هم در مورد زبان‌های طبیعی) و تصمیم گرفت در ترجمه انگلیسی تمهیدات اصطلاح‌نشانگان<sup>۱۳۷</sup> را به مفاهیم کتاب بیفزاید و مثلاً به‌جای «زبان تصریحی» بگوید «نشانه‌گان تصریحی». در نسخه بازنویسی شده از ترجمه فرانسوی (نسخه سال ۱۹۷۱) نیز همین صورت‌بندی جدید مشاهده می‌شود.

در نتیجه، «نظریه زبان» دستاویز محکمی در اختیار نشانه‌شناسان قرار داد تا بتوانند با توسل به آن متحد شوند؛ ابژه موردبررسی هرچه باشد، پایه اصطلاح‌شناختی و مفهومی برای تحلیل‌هایشان مهیا بود.

#### ۴ میراث‌داری سبک اندیشه

نشانه‌شناسان از یلمزلف فقط مفاهیم را به لرت نبرداند، ایشان در سبک اندیشه و نوشتار نیز ملهم از او بودند؛ این سبک ویژه را مخصوصاً می‌توان در کتاب

تمهیدات مشاهده کرد.

لویی یلمزلف در ژانویه و فوریه ۱۹۶۱ سلسله سخنرانی‌هایی را در دانشگاه نگزاس شهر آستین ارائه داد. من در جزوه‌های دست‌نویسی که از این سخنرانی‌ها به جا مانده، به توصیف بسیار شگفت‌آوری از کتاب تمهیدات برخوردیم. تعبیری که یلمزلف پس از نزدیک به بیست سال از نوشتن این کتاب ارائه می‌کند از این قرار است: «تمهیدات یک جهت‌دهی کلی به خوانندگانی با ملاک‌های بالای آکادمیک بود و نه به متخصصین زبان‌شناسی. در شرایط کنونی و تا زمانی که جلد دوم طرح‌واره<sup>۱۳۸</sup> و/یا کتاب رساله<sup>۱۳۹</sup> منتشر شود، "موقتا" همین کتاب نظام‌مندترین متن منتشرشده تا به امروز است و می‌توان از آن، البته با در نظر داشتن ملاحظات مذکور، به‌عنوان یک منبع درسی بهره گرفت.»

تمهیدات به‌عنوان «منبع درسی»، تصویر بسیار دل‌پسند اما تحقق‌ناپذیری است. من تا حالا حتی یک نفر را هم ندیده‌ام که از دشواری و سنگینی کتاب تمهیدات متأثر نشده باشد؛ باین‌وجود، اگر مخاطبین کتاب را به «خواص ممتاز» تقلیل دهیم، در این صورت می‌توانیم عبارت «جهت‌دهی کلی» را به‌عنوان دورنمای کتاب درک کنیم. اما جهت‌دهی کلی‌ای که نظریه زبان می‌دهد چه می‌تواند باشد؟ گمان می‌کنم باید چیزی شبیه به فلسفه زبان باشد، یا دقیق‌تر بگوییم، فلسفه زبان از منظری زبانی.

این مسئله که زبان‌شناس باید قادر باشد نوعی فلسفه زبان را در دیدگاه خود به‌روراند، موضوعی است که بحث‌های گوناگونی را در ۲۵ سال اخیر برانگیخته است. این مسئله به‌طور جدی ابتدا توسط فیلسوفانی چون آریل لوتاگر<sup>۱۴۰</sup> (۲۰۰۲) و پاتریس منیگیلیه<sup>۱۴۱</sup> (۲۰۰۶) در ارتباط با اندیشه سوسور - بالخصوص در پی انتشار کتاب تازه‌یافته نوشته‌هایی در باب زبان‌شناسی عمومی<sup>۱۴۲</sup> (۲۰۰۲) - مطرح شد. سپس من (ن.ک. بدیر: ۲۰۱۴) و والدیر بیویداس<sup>۱۴۳</sup> (۲۰۱۷) همین بحث‌ها را به اندیشه یلمزلف بسط دادیم.

ایوان المیدا<sup>۱۴۴</sup> در مقاله پیشرویی که در سال ۱۹۹۷ نوشت، نگرش هوشمندانه‌ای پیرامون شیوه تفکر در تمهیدات ارائه می‌کند. او تمهیدات را به‌مثابه یک «سبک معرفت‌شناختی»<sup>۱۴۵</sup>

بررسی می‌کند و در این کار از این مفهوم نزد زیل گستون گزاره<sup>۱۴۶</sup> بهره می‌برد. گزاره خوانش آثار به‌منزله سبک‌های معرفت‌شناختی را برای تعیین مواضع شخصی [دانشمندان] درباره شرایط عمومی علم به‌کار می‌بندد. بدین‌سان، المیدا برای یلمزلف دو موضع قائل می‌شود: قمار بر سر «صورت»، یعنی طرد هرگونه مصداق و کنارگذاشتن هر نقطه ارجاعی که خواسته باشد به استنتاج صوری معنا بخشد؛ قمار بر سر «درون‌ماندگاری»<sup>۱۴۷</sup>، یعنی آنچه به نظریه اجازه نمی‌دهد چیزی جز بخشی از ابژه خودش باشد. المیدا در این دو موضع یا قمار، اصالت اندیشه نیرومندی را می‌بیند که در میان دیگر نشانه‌شناسان غایب است؛ غیاب اصالتی که محل افتراق «تویلمزلفیسم»<sup>۱۴۸</sup> را از اندیشه یلمزلف تعیین می‌کند. من کاملاً با این تشخیص تیزبینانه موافقم؛ باین‌وجود، نمی‌توانم از این حقیقت چشم‌پوشم که رادیکالیسم و دینامیسمی که در نظریه زبان یلمزلف، طبق انگاره المیدا، از دل این دو موضع برآمده‌اند، در نظریه نشانه‌شناسی نیز در قیاس با نظریه‌های رقیب در زبان‌شناسی و به‌طور گسترده‌تر، در قیاس با غالب نظریه‌ها در علوم اجتماعی و انسانی مشاهده می‌شود. سوگیری انتقادی، خوداندیشی و درعین‌حال، بی‌طرفی و نسبی‌گرایی رادیکال تشکیل‌دهنده یک عیار اندیشگانی است که صرفاً می‌توان



رومان بارت

connaissance. Limoges: Lambert-Lucas.

Brodén, T.F. 2017. A.J. Greimas' historical lexicology (1945-1958) and the place of the lexeme in his work. *Sign Systems Studies* 45(1/2), 104-119.

Brown, J. 1985. [Reviewed Work: *Semiotics and Language: An Analytical Dictionary*, A. J. Greimas and J. Courtés. Translated by Larry Christ, Daniel Patte, James Lee, Edward McMahon II, Gary Phillips, & Michael Rengstorf. Bloomington, IN: Indiana University Press, 1983. Pp. 432]. *Studies in Second Language Acquisition*, 7(3), 377-378.

Duvall, J.N. 1984. [Reviewed Work: *Semiotics and Language: An Analytical Dictionary* by A. J. Greimas, J. Courtés, Larry Crist, Daniel Patte]. *College Literature* 11(2), 195-197.

Caputo C. 2010. *Hjelmslev e la semiotica*. Roma: Carocci.

De Mauro, T. 1998. *Presentazione*. In L. Hjelmslev, *Principi di grammatica generale*, R. Galassi & M. Picciarelli eds., III- V. Bari: Levante Editori.

Firth, J.R. 1957. *Applications of general linguistics*. In F.R. Palmer (ed.), *Selected papers of J.R. Firth* (1952-59), 126-136. London: Longmans, 1968.

Greimas, A.J. 1956. *L'actualité du saussurisme*. *Le Français moderne* 24, 191-203.

Greimas, A.J. 1966. *Sémantique structurale*. Paris: Larousse.

Greimas, A.J. 1987. *Mis à la question*. In M. Arrivé & J.C. Coquet (eds), *Sémiotique en jeu. À partir et autour de l'œuvre d'A.J. Greimas*, 301-329. Amsterdam: Hadès-Benjamin.

Greimas, A.J. 2000. *La mode en 1830. Langage et société: écrits de jeunesse*. Paris: P.U.F.

Greimas, A.J. & Courtés J., 1979. *Sémiotique. Dictionnaire raisonné d'une théorie du langage*. Paris: Hachette [English edition translated by L. Crist and D. Patt, and J. Lee, E. McMahon II, G. Phillips, M. Rengstorf : *Semiotics and Language: An Analytical Dictionary*. Bloomington: Indiana University Press, 1982].

Greimas, A.J. & Fontanille J. 1991. *Sémiotique des passions. Des états de choses aux états d'âme*. Paris: Seuil.

Hénault, A. 1992. *Histoire de la sémiotique*. Paris: P.U.F. = *Que sais-je?*

Hjelmslev, L. 1961. *Prolegomena to a Theory of Language*. Madison, WI: The University of Wisconsin Press.

Hjelmslev, L. 1966. *Le Langage*. Paris: Minuit.

Hjelmslev, L. 1968. *Prologomènes à une théorie du langage suivi de La Structure fondamentale du langage*. Paris: Minuit [2nd revised ed.: 1971].

Hjelmslev, L. 1971. *Essais linguistiques*. Paris: Minuit.

Hjelmslev, L. 1985. *Nouveaux Essais*. Paris: P.U.F.

Léon, J. 2019. J.R. Firth et la critique des structuralismes linguistiques. In V. Bisconti, A. Cureau, & R. De Angelis (eds), *Héritages, réceptions, écoles en sciences du langage: avant et après Saussure*. Paris, Presses Sorbonne Nouvelle.

Maniglier, P. 2006. *La vie énigmatique des signes*. Paris: Léo Scheer.

Metz, C. 1971. *Langage et cinéma*. Paris: Larousse. [2nd ed.: Paris: Albatros, 1977.]

Mounin, G. 1970. *Introduction à la sémiologie*. Paris: Minuit, = *Le sens commun*.

Parret, H. 1984. *Peirce and Hjelmslev: the Two Semiotics*. In F.C.C. Peng (ed.), *Language Sciences. Special Issue on Language in a Semiotic Frame*, 6(2), 217-227.

Parret, H. 1995. *Préhistoire, structure et actualité de la théorie hjelmslevienne des cas*. *Nouveaux actes sémiotiques* 38 (27 p.).

Rastier, F. 1987. *Sémantique interprétative*. Paris: P.U.F.

### تمهیدات به عنوان «منبع

درسی»، تصویر بسیار دل‌پسند

اما تحقق‌ناپذیری است. من

تا حالا حتی یک نفر را هم

تدیدم که از دشواری و

سنگینی کتاب تمهیدات متأثر

نشده باشد؛ با این وجود اگر

مخاطبین کتاب را به «خواص

ممتاز» تقلیل دهیم، در این

صورت می‌توانیم عبارت

«جهت‌دهی کلی» را به عنوان

دورنمای کتاب درک کنیم. اما

جهت‌دهی کلی‌ای که نظریه

زبان می‌دهد چه می‌تواند

باشد؟ گمان می‌کنم باید چیزی

شبه به فلسفه زبان باشد، یا

دقیق‌تر بگوییم، فلسفه زبان از

منظری زبانی.

آن را در شیوه تفکر نشانه‌شناسان یافته؛ برای نمونه، کافی است فصل نخست کتاب نشانه‌شناسی عواطف<sup>۳۱</sup> را که به «معرفت‌شناسی عواطف» اختصاص یافته، مدنظر قرار دهیم (گرمس و فونتنسی<sup>۳۲</sup> ۱۹۹۱: ۲۱-۱۱)؛ این متن حتی خیلی رادیکال‌تر و دینامیک‌تر از اسپینوزاست؛ شیوه تفکر نشانه‌شناختی، یا به بیانی، «سبک معرفت‌شناختی» نشانه‌شناسی، اغلب با تفکر اندیشمندان حیطه‌های دیگر تصادم ایجاد می‌کند. آیا این هم میراثی است که از یلمزلف بر جای مانده؟ به نظر من، قطعاً بله.

بدین ترتیب، میراث یلمزلف گنجینه‌ای است که باید آن را پاس داشت (از طریق انتشار پژوهش)؛ آن را پروراند (در قالب نظریه)؛ آن را تشریح کرد (در حوزه‌هایی کاربردی فراتر از آنچه مدنظر خود یلمزلف بود)؛ و از آن دفاع کرد (از نظر گاهی معرفت‌شناختی). نشانه‌شناسی از حیث هدف، از دغدغه‌های زبان‌شناختی خود یلمزلف بسیار فاصله گرفته است؛ با این وجود از منظری نمادین، یلمزلف نشان به‌غایت چشمگیر خود را بر نشانه‌شناسی حک کرده است؛ نخست، اصطلاحاتی برای آنکه نشانه‌شناسان گردشان متحد شوند؛ دوم، پروژه‌های برای آنکه پیگیری کنند و به پیش برند؛ سوم،

سبکی نظری و انتقادی برای آنکه در آن عمل کنند. در حقیقت، بدون یلمزلف، نشانه‌شناسی فرانسوی دیگر وجود نخواهد داشت؛ بدون یلمزلف، نشانه‌شناسی از هم می‌پاشد. ▲

### منابع:

- Ablali D. 2001. Hjelmslev et Greimas : deux sémiotiques universelles différentes, *Linx* 44 : 39-54.
- Ablali D. 2002. Hjelmslev, Greimas, Rastier : une continuité impossible autour de la notion de texte. In J. Fontanille, I. Klock-Fontanille et M-P. Hilary (eds) *Actes du colloque Sémio 2001*, pp. 13-21. Limoges : Pulim.
- Ablali D. 2003. *Les fondements linguistiques de la sémiotique. Autour de la sémiotique du texte*. In G. Hassler & G. Volkmann (eds), *History of linguistics in texts and concepts*, II, p. 761-770. Münster: Nodus.
- Ablali D. 2021. *Retour sur l'histoire tumultueuse de la traduction des Prologomènes de Louis Hjelmslev. Le cas de la traduction inédite de Knud Togeby*. In V. Chepiga & G. D'Ottavi (eds), *Traduire la linguistique, traduire les linguistes*. Louvain-la Neuve: Academia.
- Ablali, D. & Arrivé, M. 2001. Hjelmslev et Martinet : correspondance, traduction, problèmes théoriques, *La Linguistique* 37(1), 33-57.
- Almeida, I. 1997. *Le style épistémologique de Louis Hjelmslev*. *Texto* 1 [online: [http://www.revue-texto.net/Inedits/Almeida\\_Style.html](http://www.revue-texto.net/Inedits/Almeida_Style.html)].
- Anscombe J-C. 1998. *Regards sur la sémantique française contemporaine*. *Langages* 129, 37-51.
- Badir S. 2000. *Hjelmslev*. Paris: Belles Lettres.
- Badir S. 2014. *Épistémologie sémiotique. La théorie du langage de Louis Hjelmslev*. Paris: Honoré Champion.
- Badir S. & Cigana L. (eds). 2013. *Actes du colloque "Reading the Résumé of a Theory of Language / Lire le Résumé d'une théorie du langage"*, *Janus*, 11-12, Treviso, Zel.
- Barthes, R. 1953. *Le degré zéro de l'écriture*. Paris: Seuil.
- Barthes, R. 1957. *Mythologies*. Paris: Seuil.
- Barthes, R. 1964. *Éléments de sémiologie*, *Communications* 4, 91-135.
- Beividas, W. 2017. *La sémiologie de Saussure et la sémiotique de Greimas comme épistémologie discursive: une troisième voie pour la*

Richards, I.A. & Ogden C.K. 1923. The Meaning of Meaning: A Study of the Influence of Language upon Thought and of the Science of Symbolism. London: Routledge & Kegan Paul.

de Saussure, F. 2002. Écrits de linguistique générale. Paris: Gallimard.

Schleifer, R.. 1983. Language, Semiotics, and Criticism: A Review Essay. Criticism: a Quarterly for Literature and the Arts 25(3), 267- 276.

Togeby K. (ed.). 1967. La glossématique. L'héritage de Hjelmslev au Danemark. Langages, 6.

Utaker, A. 2002. La philosophie du langage. Une archéologie saussurienne. Paris: P.U.F.

Zilberberg, C. 1985. Connaissance de Hjelmslev. II Protagora XXV(7/8), 127- 169.

Zilberberg, C. 1986. Le « Mémoire » de Saussure lu par L. Hjelmslev. Versus 43, 59- 90.

Zilberberg, C. 1993. Description de la description. In M. Rasmussen (ed.), Louis Hjelmslev et la sémiotique. Travaux du Cercle Linguistique de Copenhague 24: 151- 172.

Zilberberg, C. 1997. Une continuité incertaine : Saussure, Hjelmslev, Greimas. In A. Zinna (ed.), Hjelmslev aujourd'hui, 165- 192. Turnhout: Brepols.

Zilberberg, C. 2002. Précis de grammaire tensive. Tangence 70, 111- 143.

Zilberberg, C. 2006. Éléments de grammaire tensive. Limoges: Pulim.

Zinna A. (ed.) 1986. Louis Hjelmslev. Linguistica e semiotica strutturale. Versus 43.

Zinna A. (ed.). 1997 [in fact published in 1999]. Hjelmslev aujourd'hui, Turnhout: Brepols.

Zinna A. & Cigana L. (eds). 2017. Louis Hjelmslev (1899-1965). Le forme del linguaggio e del pensiero [online: <http://mediationsemiotiques.com/archives/9812>].

## پی‌نوشت‌ها:

1. legacy
  2. transmission
  3. Semiotics/Semiology: توجه کنید که این دو واژه در کاربرد عمومی معادل قلمداد می‌شوند اما در برخی کاربردهای تخصصی از جمله در نظریه پلمزلف این دو اصطلاح کاملاً متمایز و متفاوت‌اند. (نگرید به پلمزلف، ۱۳۹۷) (پ)
  4. André Martinet (1908-1999)
  5. Émile Benveniste (1902-1976)
۶. در ویژه‌نامه‌ای از نشریه Languages که به میراث پلمزلف در دلفمارک اختصاص داشت و کنود توگی (Knud Togeby) [۱۹۱۸-۱۹۷۲] سردبیری آن را بر عهده گرفته بود (۱۹۶۷)، مقالات ذیل چهار موضوع «زبان‌شناسی عمومی»، «زبان‌شناسی هم‌زمان»، «زبان‌شناسی در زمان» و «فلسفه» ارائه شده بودند که در آن‌ها هیچ ردی از کاربرد نشانه‌شناسی نظریه پلمزلف به چشم نمی‌خورد.
7. epistemic
  8. system
  9. symbolic values
  ۱۰. جان روبرت فیرث (J. R. Firth) [۱۸۹۰-۱۹۶۰] نیز بر همین نظر بود. او در سال ۱۹۵۷ می‌نویسد: «گلوسماتیک (Glossematics) پژوهشی منبع الهامی فرانسوی دارد - البته اگر در این رابطه بتوان مکتب ژنو را هم ذیل فرانسوی جای داد» (فیرث [۱۹۵۷] ۱۹۶۸: ص ۱۱۲؛ به نقل از ژنو، ۲۰۱۹: ص ۲۸۷)
  ۱۱. Principles of General Grammar [Principes de grammaire générale] (۱۹۲۸-۱۹۲۸)
  ۱۲. در همین راستا، تولید دیماتورو (Tullio De Mauro) [۱۹۳۲-۲۰۱۷] می‌نویسد: «پلمزلف اثر همان ابتدا گفتگوی ژرف و روشنگرانانه‌اش را با دوره زبان‌شناسی عمومی (Course in General Linguistics) می‌آغازد گفتگویی که او (و ما) را در سراسر حیات علمی و اندیشگانی‌اش همراهی می‌کند» (۱۹۹۸: ص ۴)
  13. Prolegomena to a Theory of Language [Omkring sprogteoriens grundlæggelse]

**گزاره‌های نظری پلمزلف برای نشانه‌شناسان فوق‌العاده مهم است: چرا که این گزاره‌ها نه صرفاً منوط به تحلیل زبان‌های طبیعی، بلکه همچنین منوط به تحلیل هر گونه تولیدات اجتماعی-فرهنگی دیگر طرح شده‌اند. زبان‌های صوری، موسیقی، نمودارها، تصاویر، فیلم‌ها و حتی رسوم اجتماعی در معنای کلان کلمه، با همین مفهومی‌های بیان محتوا، صورت‌آ جوهر، هم‌نشینی اجانشینی، تصریح انضمامی و زبان افزایان مورد تحلیل قرار می‌گیرند**

این کتاب پلمزلف به فارسی ترجمه شده است. بنگرید به: تمهیدات بر نظریه زبان (۱۳۹۷)، نوی پلمزلف ترجمه محمدامین شاکری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۴۰۰ (پ)

14. Course in General Linguistics [Cours de linguistique générale - 1916]
15. A. J. Greimas (1917-1992)
16. Cerisy-la-Salle
17. Michel Arrivé (1936-2017)
18. France Gleizal
۱۹. برگرفته از نامه توگی به گروس به تاریخ ۱۷/۱۷/۱۷۷۱ (نسخه دست‌نویس پلمزلف در کتابخانه سلطنتی دلفمارک [Det Kongelige Bibliotek]، پرونده شماره ۱۱۱).
۲۰. این نسخه دست‌نویس از تمهیدات به همراه علامه‌گیری‌های جانبی به این نسخه در دسترس است. دست‌نویس پلمزلف در کتابخانه سلطنتی دلفمارک، پرونده شماره ۱۱۸.
21. Larousse
22. Yves Gentilhomme (1920-2016)
23. Minuit
24. Le Langage
۲۵. Jérôme London (۱۹۲۵-۲۰۰۱) اکنون مدیر مشهور انتشارات میونی بود که مهم مهمی در حوزه نشر آثار در فرانسه ایفا کرد (پ)
26. Anne-Marie Léonard
27. Oswald Ducrot (1930-)
۲۸. دریس لیلی (Driss Ablali) در یانگانی پلمزلف واقع در کتابخانه سلطنتی دلفمارک به مجموعه‌ای از اسامی زبان‌شناسان دانمارکی برخورد که احتمالاً اعضای این «گروه» مترجمان بودند: گونار یک (Gunnar Bech)، الی فیشر-یورگسن (Éli Fischer-Jørgensen)، یس هلث (Jens Holt)، میشل هلگر (Michel Holger)، استرن سورسن (Stern Sørensen) و بین رونکه (Jane Renke). (ن.ک. ابالی و ازبود، ۲۰۰۱: ص ۲۴، پ ۱۱)
29. Georges Mounin (1910-1993)
30. Una Canger (1938-)
31. Annick Wewer
32. Elements of Semiology
33. langue
34. parole
۳۵. این سخن بارت در یکی از یادداشت‌های موجود از درس گفتار سال ۱۹۶۲-۱۹۶۳، او در مدرسه کاربردی مطالعات عالی (École Pratique des Hautes Études) ثبت شده است (نگرید به: دست‌نوشته‌های رولان بارت در کتابخانه ملی فرانسه، البته باید اشاره کرد که حتماً نباید از این یادداشت تفسیری واقعی داشت، [این تفسیر هم محتال است که منظور اولویت نظری باشد].
36. Joseph Courtés (1936-2011)
37. Sémiotique: dictionnaire raisonné de la théorie du langage
38. Semiotics and Language: An Analytical Dictionary (1982)
۳۹. در اینجا برپنجهایی از نقد این کتاب، در مجله‌های امریکایی را از پیش چشم می‌گذرانیم: «بلندهم‌تازین تلاش‌هایی که تا به امروز برای تهیه واژگانی جامع و نیز چارچوب نظری‌ای منسجم در مطالعات نشانه‌شناسی انجام شده است» (براون [Brown] ۱۹۸۵: ص ۳۷۷)؛ «طرحی اجمالی و به‌عبارت مفید از نشانه‌شناسی در هیئت یک رشته علمی» (دووال [Duvall] ۱۹۸۲: ص ۱۹۵)؛ و این سوس با ظنقت کمتر و عارفانه بیشتر: «هر چند نمی‌توان گفت که این واژه‌نامه تحلیلی انتظار نویسنده‌ها و مترجمان را برآورده خواهد کرد و خواهد توانست فراوانی منسجم و همگن ایجاد کند، اما لافل می‌توانیم بگوییم که محلی برای نام‌گذاری‌های مشترک - یا به قول نویسندگان، «مستری مشترک» - ایجاد خواهد کرد که کمک شایان توجهی به فهم و اندیشه در پی خواهد داشت» (اشلیفر [Schleifer] ۱۹۸۲: ص ۲۶۷).
۴۰. برای دین مدخل «متن» در نسخه انگلیسی کتاب، بنگرید به: گروس و گورس ۱۹۸۲: ص ۳۲۰.
41. corpus
42. Essais linguistiques
43. François Rastier (1945-)
۴۴. نسخه فرانسوی از نسخه اصلی کتاب که پیش‌تر توسط همکاران پلمزلف در دلفمارک منتشر شده بود [۱۹۵۹] یکی است. فقط در این نسخه چند متنی از پلمزلف که در مجموعه اصلی به زبان انگلیسی بود به فرانسه برگردانده شد.
45. Nouveaux essais
46. Résumé of a Theory of Language (1957)
47. Claude Zilberberg (1938-2018)
48. Interpretative Semantics
49. Sémantique interprétative (1987)



۹۴. non-conform: یعنی هر صفحه ساختار ضرورتاً متفاوتی دارد. (م)
94. sème
۹۵. isotopy: ایزوتوپیی رابطه کی‌برداری یا تکرار ریزمانها در متن است که ضمن انسجام و ارجاع است. (م)
۹۶. variety: در نظریه بلمزلف، پس‌گونه‌ها در واقع گونه‌های مقید به بافت‌های متنوع و ساختاری هستند. (م)
۹۷. deduction: استنتاج در نظریه بلمزلف به معنی تحلیل از کل به جزء است. (م)
۹۸. این جمله بدین معناست که برای تحلیل نظام صوری و ساختار پایه زبان لاجرم باید از خلال تحلیل صفحه‌نمائی عبور کرد یعنی صفحه‌ای که نظام نشانه‌ای زبان را به دیگر نظام‌های پیوسته با آن و منکی به آن متصل می‌کند. (م)
99. mythical
100. Christian Metz (1931-1993)
101. reflexivity
102. "L'actualité du saussurisme" (1956)
103. Le degré zéro de l'écriture (1953)
104. restoring
105. recurrence
۱۰۶. paradigmaticized: بدین معنا که ایزوتوپیی را به قاعده‌ای مبتنی بر نظام ایستا (بعد جانشینی) تبدیل می‌کند و ضرورت بویایی‌اش در بُعد هپتیشینی را نشان نمی‌دهد. (م)
107. itération
108. building-path
109. governed
110. constant
111. governing
112. variable
۱۱۳. باید توجه داشت که در نظریه بلمزلف ثابت و متغیر بودن حالت‌های قاعده‌ای و مفهولی اصطلاحات کاربردی معکوس نسبت به کاربرد رایج آن دارند؛ یعنی حالت مفهولی مانند محکوم تعیین شده گریده تخصصی‌یافته و... ثابت و حالت قاعده‌ای، متناظراً مانند حاکم، تعیین کننده، گریزنده تخصصی‌دهنده و... متغیر است. این کاربرد پیامد نگاه بلمزلفی است. (م)
۱۱۴. در گفت‌وگویی که با نویسنده مقاله داشتیم، این گزاره مورد شک قرار گرفته با نظر به چندین متن از بلمزلف، و مخصوصاً با توجه به فرمول صوری ارائه‌شده در کتاب چکیده‌ای از یک نظریه زبان درباره رابطه بیان و محتوا (۱۹۷۵)، ص ۲۲۳، فرمول ذیل (G11) مشخص شد که طرح حاکمیت و عطف‌تلقین بین بیان و محتوا از حیث ساختاری و در صورت زبانی محلی از اعراب ندارد حاکمیت منظر سمیر بدتر در این مورد تنها می‌تواند معطوف به ملاحظاتی عملی در کاربرد نظریه مطرح شود حال آنکه حاکمیت بین جهت مفهوم‌های دیگر ساختاری‌اند و معطوف به صورت زبان، نویسنده اعلام کرد که با توجه به این نکته، احتمالاً این گزاره را در نسخه چاپی مقاله (۲۰۲۲) تغییر دهد. (م)
115. concentrated
116. extended
۱۱۷. بنگرید به زیربرگ (۲۰۰۹: ص ۵۵)، البته به این ایراد توجه نمود: زیربرگ در خوانشش از نظریه بلمزلف، همه جا (به نظر من اشتباه) عنصر محکوم را به متغیر و عنصر حاکم را به ثابت تعبیر کرده است.
118. semiotic
۱۱۹. Outline: منظور کتاب Outline of Glossematics II است که قرار بود بلمزلف آن را در ادامه جلد نخست آن - که در سال ۱۹۵۷ توسط اولدال (Uldall) نوشته شده بود و نظریه متفاوتی از گلوپوسشناسی ارائه می‌داد- تألیف کند؛ اما بلمزلف خیلی زود به بستر بیماری افتاد و هرگز نتوانست این کتاب را بنویسد. (م)
۱۲۰. Treatise: این کتاب نیز که قرار بود شرح مبسوطی از نظریه بلمزلف را ارائه دهد، به سرنوشت جلد دوم طرح‌واره دچار شد و هرگز به رشته تحریر درنیامد. (م)
121. Arild Utaker (1945-)
122. Patrice Maniglier (1973-)
۱۲۳. Ecrits de linguistique générale (en. Writings in General Linguistics): این کتاب حاوی مجموعه دست‌نوشته‌هایی از موسسور است که در سال ۱۹۹۶ در گلاخانه عمارت موسسور در شهر ژنو یافت شد. این نوشته‌ها چهرتی نو و بدیع از موسسور ارائه می‌دهند که نسبت به تصویری که در طول قرن بیستم به‌واسطه کتاب دوره از اندیشه او ساخته شده بود، متفاوت است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به بویساکه، پل، (۱۳۶۵)، موسسور (راهنمای برای سرکشتگان)، ترجمه محمدرضا شاکری، تهران: نشر یک فکر. (م)
124. Waldir Beividas (1950-)
125. Ivan Almeida
126. epistemological style
127. Gilles-Gaston Granger (1920-2016)
128. immanence
129. Neo-Hjelmslevism
130. Sémiotique des passions: des états de choses aux états d'âme (1991)
131. J. Fontanille (1948-)
50. Tensive Semiotics
51. "Précis de grammaire tensive" (2002); Éléments de grammaire tensive (2006)
52. intensive
53. extensive
54. Connaissance de Hjelmslev (Prague ou Copenhague ?)
55. Le « Mémoire » de Saussure lu par L. Hjelmslev
56. Description de la description
57. Une continuité incertaine : Saussure, Hjelmslev, Greimas
58. Peirce and Hjelmslev: the Two Semiotics
59. Préhistoire, structure et actualité de la théorie hjelmslevienne des cas
60. Hereman Parret (1938-)
61. Histoire de la sémiotique (1992)
62. Anne Hénault
63. Alessandro Zinna (1960-)
64. Lorenzo Cigana (1984-)
65. Driss Ablali (1972-)
۶۶. توجه کنید که پارت و گرمس در دهه ۱۹۱۰ به دنیا آمدند؛ او، راستی و زلیبرگ، بین ۱۹۲۵ و ۱۹۲۵ و دیگر پژوهشگران جوان تر همه پس از ۱۹۵۵.
۶۷. René Thom: ریاضی‌دان مشهور فرانسوی و از مبدعان نظریه فاجعه (catastrophes). (م)
68. Romeo Galassi (1945-)
۶۹. شاید اعترافش شود که مثلاً فردی همچون الساندرو زینا را باید ذیل این جنبش ایتالیایی معرفی می‌کردم، چراکه تمام انرژی که تألیف کرده در ایتالیا منتشر شده‌اند و نیز انبوهی مقاله به زبان ایتالیایی دارد اما من بر این نظرم که باید او را در زمره نشانه‌شناسان «فرانسوی» به حساب آورد چون هم پیش از بیست سال است که در دانشگاه‌های فرانسه نشانه‌شناسی تدریس می‌کند و هم یک مرکز پژوهشی فرانسوی با نام «آملاط نشانه‌شناختی» (Médiations Sémiotiques) را می‌گرداند.
70. Hjelmslev e la semiotica (2010)
71. Cosimo Caputo (1953-)
72. expression plane
73. content plane
74. form
75. substance
76. syntagmatic
77. paradigmatic
78. metalanguage
79. hyle
80. G. Frege (1848-1925)
81. C. K. Ogden (1889-1957)
82. I. A. Richards (1893-1979)
83. Anscombe
84. poor relation (fr. parent pauvre)
۵۸. اظهار چنین حکمی در فرانسه بسیار رایج بوده و هست، این حکم آنسکومبر تقریباً واژه به واژه معادل این قول معروف گرمس است: «باید تصدیق کرد که متناظری همیشه ظریفی زبان‌شناسی بوده است» (۱۹۶۶: ص ۶). اینکه از آنسکومبر نقل‌قول می‌آورم، تنها به این هدف است که نشان دهم زبان‌شناسان با عقاید متفاوت بر سر این حکم هم‌بخت هستند.
86. lexicology
۸۷. semasiology: بخشی از واژه‌شناسی سنتی با محوریت این پرسش که فلان واژه چه معنایی می‌دهد؟ (م)
۸۸. onomasiology: بخش دیگری از واژه‌شناسی سنتی با محوریت این پرسش که فلان معنوم با چه واژه‌هایی بیان می‌شود؟ (م)
۸۹. این رساله پس از مرگ گرمس توسط بروندن (T. F. Broden) و روو-کیر کپاتریک (F. Ravoux-Kirkpatrick) ویرایش و منتشر شد (بنگرید به گرمس ۲۰۰۰).
۹۰. lexeme: این اصطلاح واژه‌شناختی یا صرفی بر صورت مشترک صیغگان‌های نقشی یا اشتقاقی یک پس‌واژه دلالت دارد مثلاً «فرختن» برای مجموعه واژه‌های سی‌روم، برو، رفته و ای آخر. مراد گرمس در اینجا همین مفهوم واژه‌شناختی است. توجه داشته باشید که این اصطلاح در نظریه بلمزلف به مفهومی کاملاً متفاوت مربوط است و مناسب‌تر آن است که در زبان فارسی معادل نویسه‌گردانی شده «لکسم» برایش به کار رود. (م)
۹۱. طبعاً این خطاکشی و تفکیک گرمس تا حدی فقط جنبه بلاغی دارد و همان‌طور که می‌توان دید چنان‌که برودن (۲۰۱۷) نیز تلاش کرده نشان دهد، نشانه‌شناسی گرمس هیچ‌گاه به مبزایی که مدعی است از پژوهش‌های واژه‌شناختی منفک نشده است.
۹۲. isomorphie: یعنی به‌واسطه نقش نشانه‌ای (sign-function) واحدهایشان ضرورتاً متناظر است. (م)